

مقاله پژوهشی

بررسی نامه‌های شاهنامه فردوسی از منظر سبک‌شناسی با تکیه بر ارکان، سطوح ارتباطی و انواع نامه‌ها

سیده فاطمه حسینی تبار، عباس خیرآبادی*، حمیدرضا سلیمانیان، محمود فیروزی مقدم

گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران.

خرداد ۱۴۰۱، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۷۳، صفحات ۱۷۹-۱۹۷

DOI: ۱۰.۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲.۱۵. ۲۲۷۱

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: نامه یکی از وسایل برقراری ارتباط میان انسانهاست که از دیرباز مورد استفاده بوده است. نامه‌های موجود در منابع فارسی از جهات مختلف درخور مطالعه و تحقیق هستند. در شاهنامه فردوسی نیز که درحقیقت تاریخ قوم ایرانی پیش از اسلام آن هم بشکل داستانهایی دل‌انگیز است، نامه نقش مؤثری داشته است. در این مقاله به بررسی سبک‌شناسی نامه‌ها در این اثر با تکیه بر ارکان، سطوح ارتباطی و انواع نامه‌ها پرداخته شده است.

روش مطالعه: این مقاله براساس مطالعات کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

یافته‌ها: در هیچ‌یک از منظومه‌های داستانی و حماسی فارسی، تعداد و نقش نامه‌ها، قابل مقایسه با شاهنامه فردوسی نیست. در این اثر حماسی با انواع مختلفی از نامه روبرو هستیم که در ساختار اغلب آنها میتوان پنج رکن ۱- ستایش خداوند، ۲- ذکر فرستنده و مخاطب نامه و ستایش او، ۳- مقدمه متناسب با رکن اصلی نامه، ۴- رکن اصلی نامه، و ۵- خاتمه نامه را مشاهده کرد که نامه‌های موجود در آن با توجه به انواع و ارکان نامه، دارای ویژگیهای سبکی خاص و متفاوتی هستند.

نتیجه‌گیری: در نامه‌های شاهنامه، هماهنگی کاملی بین محتوای نامه‌ها و الفاظ و کلمات و عباراتی که در نامه‌ها استفاده شده‌اند، وجود دارد. در نامه‌هایی که حاوی خشم و خشونت هستند (مانند تهدیدنامه‌ها و بیم‌نامه‌ها) کلمات و عبارات خشن هستند و برعکس در نامه‌های دوستانه (مانند صلح‌نامه) از کلمات لطیف و عباراتی ملایم استفاده میشود. تعداد جملات معلوم بسیار بیشتر از جملات مجهول است و وجه خبری نیز بیشترین بسامد را از میان وجوه افعال داراست. در نامه‌های شاهنامه به ترتیب بسامد آرایه‌هایی مانند اغراق، تشبیه، استعاره و کنایه در بخشهای مختلف نامه‌ها بطور پراکنده وجود دارد. همچنین افکار و مضامین متنوعی در نامه‌ها درج شده است که از آن میان، آغاز نامه‌ها با یاد خداوند، ذکر صفات خداوند خصوصاً تأکید بر دو صفت آفرینندگی و خداوندی، ستایش از مخاطب، پند و اندرز، دعوت به دادگری، مفاخره و... به ترتیب بسامد بیشتری دارند.

تاریخ دریافت: ۲۲ اسفند ۱۳۹۹

تاریخ داوری: ۲۸ فروردین ۱۴۰۰

تاریخ اصلاح: ۰۹ اردیبهشت ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۲۵ خرداد ۱۴۰۰

کلمات کلیدی:

نامه‌نگاری، شاهنامه فردوسی، سبک‌شناسی، سطح زبانی، سطح ادبی، سطح فکری.

* نویسنده مسئول:

abbaskheyraaby8@gmail.com

۰۶۴ ۵۲۲۹۱۰۶۴ (+۹۸ ۵۳۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

A Study of Ferdowsi Shahnameh Letters from a Stylistic Perspective Relying on Pillars, Communication Levels and Types of Letters

S.F. Hosseini Tabar, A. Khairabadi*, H.R. Soleimanian, M. Firoozi Moghadam

Department of Persian Language and Literature, Torbat Heydariyeh Branch, Islamic Azad University, Torbat Heydariyeh, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: ۱۲ March ۲۰۲۱

Reviewed: ۱۷ April ۲۰۲۱

Revised: ۲۹ April ۲۰۲۱

Accepted: ۱۵ June ۲۰۲۱

KEYWORDS

Correspondence,
Ferdowsi Shahnameh,
Stylistics, Linguistic level,
Literary level, Intellectual level.

*Corresponding Author

✉ abbaskheyraabady8@gmail.com

☎ (+۹۸ ۵۳۱) ۵۲۲۹۱۰۷۴

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Letter is one of the means of communication between human beings that has been used for a long time. Letters in Persian sources are worth studying and researching in different ways. In Ferdowsi's Shahnameh, which in fact is the history of the pre-Islamic Iranian people in the form of heartwarming stories, the letter has played an effective role. In this article, the style of letters in this work is examined by relying on the elements, communication levels and types of letters. Been paid.

METHODOLOGY: This article is based on library studies and has been done in a descriptive-analytical manner.

FINDINGS: In none of the Persian fiction and epic poems, the number and role of letters are comparable to Ferdowsi's Shahnameh. In this epic work, we are faced with different types of letters, in the structure of most of which we can find five pillars: ۱- Praise of God ۲- Mentioning the sender and addressee of the letter and his praise ۳- Proportion appropriate to the main pillar of the letter ۴- Main pillar of the letter ۵- Concluding Letter Observed that the letters in it have special and different stylistic features according to the types and elements of the letter.

CONCLUSION: In Shahnameh letters, there is a perfect harmony between the content of the letters and the words and phrases used in the letters. In letters that contain anger and violence (such as threats and insurance policies), words and phrases are harsh, and conversely in friendly letters (such as peace letters), gentle words and phrases are used. The number of known sentences is much more than unknown sentences and the news aspect has the highest frequency among the aspects of verbs. In Shahnameh letters, the frequency of arrays such as exaggeration, simile, metaphor and irony are scattered in different parts of the letters, respectively. Also, various thoughts and themes have been included in the letters, among which, the beginning letters with the remembrance of God, mentioning the attributes of God, especially emphasizing the two attributes of creation and God, praising the addressee, admonition, invitation to justice, boasting, etc. They have a higher frequency order.

DOI: [۱۰,۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲,۱۵,۷۲۷۱](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2022.10.7271)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 ۱۳	 ۲	 ۰

مقدمه

نامه‌گاری در ایران پیش از اسلام رواج و رونقی خاص داشته است. «محققان سابقه نامه‌نویسی در ایران را به دوره هخامنشیان برمیگردانند و معتقدند آنها واژه را با خط میخی بر روی پوست دباغی‌شده جانوران مینوشتند و بوسیله چاپار و پیک به مقصد میفرستادند (فن نامه‌نگاری در زبان فارسی، دهقان: ص ۱۸). نکته قابل توجه، شأن و مقام دبیران در ایران باستان است که دبیران در تقسیم‌بندی چهارگانه جامعه ساسانی پس از موبدان و سپاهیان قرار داشتند و بزرگترین دبیران، مقامی مشابه با صاحب دیوان رسایل در تشکیلات دبیرخانه سلاطین بعد از اسلام داشت که او را «ایران دبیرد» «دبیران مهست» یا «دبیری» میخواندند. دبیرد از نزدیکان شاه محسوب میشد، نامه‌ها را او به نظر شاه میرسانید و توقیعات شاه را نیز در ذیل نامه مینوشت (ایران در زمان ساسانیان، کریستنسن سن: صص ۱۴۶-۱۴۳). دیوان رسایل و تشکیلات دبیرخانه ساسانیان که خود بر سنتی کهنتر استوار بود، در دوره عباسیان بی‌کم‌وکاست بوسیله دبیران و نویسندگان ایرانی‌نژاد در دربار خلفا تقلید شد و پس از چندی به همان صورت به دربار سلاطین ایران راه یافت و مورد استفاده قرار گرفت (فن نثر، خطیبی: ص ۲۸۸). منشورها، فرمانها، نامه‌ها و رسائل سلطانی از انواع مهم و قابل توجه منابع و اسناد معتبرست که بیشتر حاصل اقلام نویسندگان و ادیبانی است که در کشف حقایق تاریخی و ریشه‌بسیاری از وقایع، راهگشای مورخان و محققان خواهند بود که از جهات مختلف حائز اهمیت و درخور مطالعه، تحقیق و تدقیق هستند. مکاتبات بینافردی و میان‌سازمانی روزگار قدیم، در آئینه متون نظم و نثری که این نوشتارها را درخور درج و ثبت نموده‌اند هویداست. این آثار شیوه‌های مقدمه‌چینی در نامه‌نگاری، پیام‌رسانی، و ختم و فرود و جمع‌بندی مرسوم در مراسلات را بازتاب میدهند و موازین نگارش هر رقیمه را طبق اسلوب مرضی و معهود دوران گذشته منعکس میسازند.

در شاهنامه فردوسی، نامه بعنوان یکی از وسایل برقراری ارتباط و انتقال پیام کاربرد و اهمیت فراوانی دارد. از آنجاکه اشخاص و شخصیت‌های تصویرشده در شاهنامه با یکدیگر در مسافتهای دور و نزدیک در ارتباط میبودند، نیاز به واسطه‌ای برای عرض خواسته‌ها و نیازمندیهایشان امری طبیعی محسوب میشد. بدین جهت فردوسی، نامه و نامه‌نگاری را برای ایجاد این رابطه میان شخصیت‌های اثرش برگزیده و برای تصویر کردن واقعه و حادثه‌های اساطیری، پهلوانی، تاریخی، سفرها، لشگرکشی، پیروزیها و خواستگاری، درخواستها و نیز برای اثربخشی آنان، از نامه، نامه‌نگاری و نامه‌رسانی استفاده کرده است. بعلاوه نقش و اهمیت نامه در هیچ‌یک از آثار منظوم پارسی با جایگاه و ارزش نامه‌ها در شاهنامه فردوسی قابل مقایسه نیست. «بیش از سه هزار بیت شاهنامه را، نامه‌ها که گفتارهایی مکتوب هستند تشکیل داده‌اند» (از رنگ گل تا رنج خار، سرامی: ص ۲۵۷). شاهنامه فردوسی بعنوان یکی از کهنترین آثار بجامانده نظم فارسی، آئینه تمام‌نمای نامه‌نگاریهای رایج از دوران پیشاتاریخی محسوب میشود که خوانش و استخراج مکاتبات موجود در آن، به انضمام دسته‌بندیهای دقیق ساختاری و محتوایی، نمونه‌هایی والا از ادبانه‌های اداری ایران در قرون گذشته را فراروی پژوهشگران قرار میدهد و آنها را در اتخاذ مناسبترین شیوه‌های نامه‌نگاری که حاوی ویژگیهای فرهنگی اقلیم ایرانی-اسلامی ماست یاری میکند. «این مکاتیب در روایات حماسی ایران در متونی که فردوسی در نظم شاهنامه از آن اقتباس کرده به همین صورت وجود داشته و فردوسی آنها را خلاصه کرده و به نظم درآورده است» (فن نثر، خطیبی: ص ۲۸۶). کاربرد نامه در دو بخش اساطیری و پهلوانی نسبت به بخش تاریخی شاهنامه بسیار اندک است (اسطوره‌ای: ۵ نامه / پهلوانی: ۵۳ نامه / تاریخی: ۱۳۴ نامه). دلیل کمی نامه‌ها در بخش اساطیری، تعلق این بخش به روزگاری از زندگی انسان

است که جامعه بشری هنوز تکامل و انسجام کامل نیافته است، درحالی‌که رواج نامه‌نگاری محصول دوران پختگی زندگی اجتماعی آدمیان است. به همین روال نامه‌های بخش پهلوانی در مقایسه با نامه‌های بخش تاریخی کمتر هستند، زیرا تنها در دوران تاریخی شاهنامه است که با کامل شدن سیستم‌های ارتباطی و نظم یافتن و انسجام نهایی روابط میان افراد، نامه‌نگاری بعنوان مهمترین ابزار ارتباط حضوری پررنگتر می‌یابند. در مقاله حاضر، ویژگیهای سبکی نامه‌های شاهنامه با توجه به مقاله «پژوهشی در نامه‌های شاهنامه فردوسی» و سطوح ارتباطی و ارکان مشخص‌شده در مقاله فوق بررسی خواهد شد.

سابقه و پیشینه پژوهش

نامه‌ها منابعی ارزشمند و اسنادی معتبر در کشف حقایق تاریخی هستند که راهگشای مورخان و اهل تحقیق خواهند بود. نامه‌ها از نظر تاریخی، سیاسی، اجتماعی و ادبی اهمیت بسزایی دارند. بعلاوه با مطالعه و بررسی دقیق نامه‌ها در آثار ادبی میتوان به نکات مهم دستوری، لغوی و سبک‌شناسی نیز دست یافت. درخصوص نامه‌نگاری در شاهنامه فردوسی، پژوهشهایی صورت گرفته است، در کتاب «از رنگ گل تا رنج خار» نوشته قدمعلی سرامی، نامه‌های شاهنامه به سیزده موضوع مختلف تقسیم‌بندی شده است. همچنین تعداد نامه‌های موجود در هر جلد نیز مشخص شده است. (جلد اول: ۹/ جلد دوم: ۱۶ / جلد سوم: ۱۱/ جلد چهارم: ۴/ جلد پنجم: ۹/ جلد ششم: ۱۶ / جلد هفتم: ۴۱/ جلد هشتم: ۴۵/ جلد نهم: ۴۱/ مجموع: ۱۹۲ (از رنگ گل تا رنج خار، سرامی: ص ۲۴۴).

صحرائی و دیگران (۱۳۹۰) در مقاله «پژوهشی در نامه‌های شاهنامه فردوسی» نامه‌های شاهنامه را از منظر سطوح ارتباطی، ارکان و کارکردهای نامه‌ها مورد تحقیق قرار داده‌اند. با توجه به این مقاله، ساختار کلی نامه‌ها در بخشهای پهلوانی و اساطیری یکسان است و از الگویی مشترک پیروی میکنند که عبارت است از: ۱- ستایش خداوند، ۲- ذکر فرستنده و مخاطب نامه و ستایش او، ۳- مقدمه متناسب با رکن اصلی نامه، ۴- رکن اصلی نامه و ۵- خاتمه نامه. این ساختار تقریباً در سه بخش شاهنامه مشترک است حتی نوشت‌افزارها و مرکبهایی که با آن نامه‌ها را مینویسند، در هر سه بخش تفاوتی ندارد، حتی نیایشها و ستایشها نیز تفاوت چندانی ندارند. سمیعی و حیدری (۱۳۹۴) نیز در مقاله «مقایسه نقش و ویژگیهای دبیران در شاهنامه و تاریخ بییهی»، به تحلیل ویژگیهای دبیر و دیوان رسالت در این دو اثر پرداخته‌اند.

بحث و بررسی

سطح زبانی

واژگان و ترکیبات خاص: الزام بر ذکر نام خداوند در سرآغاز نامه‌ها باعث شده یکی از واژگان پربسامد در نامه‌ها خصوصاً در آغاز آنها، واژگان و صفات مربوط به نام و ستایش خداوند باشد.

ز خط نخست آفرین گسترد / بدان دادگر کو جهان آفرید (شاهنامه، ج ۱، ص ۱۷۷ ب ۶۴۳)

در نامه‌های شاهنامه، هماهنگی کاملی بین محتوای نامه‌ها و الفاظ و کلمات و عباراتی که در نامه‌ها استفاده شده‌اند و برای بیان اهداف نویسنده آمده‌اند، وجود دارد. اگر محتوای نامه‌ای خشونت باشد (مانند تهدیدنامه‌ها و بیم‌نامه‌ها) کلمات و عبارات خشن هستند و برعکس اگر نامه‌ای محتوایی دوستانه داشته باشد، از کلمات لطیف و عباراتی ملایم استفاده میشود. در تهدیدنامه‌ها و بیم‌نامه‌ها که برای آشکار کردن قدرت فرستنده نامه، گاه همراه

با تهدید و بیم همراه است و با تندی نیز آغاز میگردد، کلماتی همچون دلاوری، پلنگ، مردی، اژدها، جنگ و چنگ که دلیری و خشونت را در ابیات آن بارزتر میکند، آورده شده است. مانند نامهٔ تهدیدآمیز شاه مازندران به کاووس:

بیارم کنون لشگری شیرفش / برآرم شما را سر از خواب خوش (همان، ج ۲، ص ۱۱۲ ب ۶۷۵)
یا در سوگ‌نامه‌ها و پوزش‌نامه‌ها از کلماتی متناسب با درد و سوز استفاده شده است. مانند: نامهٔ رستم به گشتاسب:

زمانش چنین بود نگشاد چهر / مرا دل پر از درد و سر پر ز مهر (همان، ج ۶، ص ۳۱۸ ب ۱۶۲۳)
جملات: تعداد جملات معلوم بسیار بیشتر از جملات مجهول هستند. تعداد جملات پرسشی در نامه‌ها بسیار محدود است و همین تعداد نیز بقصد طلب اخبار بکار رفته‌اند. نامه‌های دستوری بیشترین بسامد را در میان نامه‌های شاهنامه دارا هستند و با توجه به مضمون آنها که دستور یا درخواست است جملات امری در اینگونه نامه‌ها بسامد بیشتری مییابد. درواقع بعد از جملات خبری، دومین نوع پرکاربرد جملات در نامه‌ها، جملات امری هستند که بیشتر در بخش قسمت اصلی نامه و بمنظور ابراز خواسته‌ها و بیان دستورات آمده‌اند. ضمائر: ضمیر «من» در نامه‌ها بسامد بیشتری دارد که در دو شکل دیده میشود، حالت اول نشان‌دهندهٔ قدرت شخص مؤلف است:

همه کوهساران پر از مرد و زن / همی آفرین خواندندی به من (همان، ج ۱، ص ۲۰۲ ب ۱۰۴۶)
و حالت دوم نشان‌دهندهٔ تواضع شخص مؤلف است:

یکی بندهام من رسیده به جای / به مردی به شست اندر آورد پای (همان، ج ۱، ص ۲۰۱ ب ۱۰۱۰)
ضمیر «تو» دومین ضمیر پرسامد است که بیشتر برای شاهان بکار رفته است:
کنون با تو پیوند جویم همی / رخ آشتی را بشویم همی (همان، ج ۲، ص ۱۳۲ ب ۸۴)
ضمیر «ایشان» برای دشمنان بکار رفته است:

از ایشان شبیخون و از ما کمین / کشیدیم و جستیم هرگونه کین (همان، ج ۱، ص ۱۲۴ ب ۷۶۴)
در نامهٔ رستم فرخ‌زاد، ضمیر «ایشان» برای اعراب بکار رفته است:

بکوشیم و مردی به کار آوریم / بریشان جهان تنگ و تار آوریم (همان، ج ۹، ص ۳۱۳ ب ۶۳)
وجه فعل: «وجه فعل، صورت یا جنبه‌هایی از آن است که بر اخبار، احتمال، امر، آرزو، تمنی، تأکید، امید و برخی امور دیگر دلالت میکند» (دستور مفصل امروز، فرشیدورد: ص ۳۸۱). در تمامی ابیاتی که حوادثی برای مخاطب (شاه) روایت میشود، از وجه خبری استفاده شده است. کاربرد وجه خبری قاطعیت فردوسی را در بیان گزاره‌ها و باور قطعی و مسلم او را به موضوع نشان میدهد.

صفات: گاه نویسنده با بکارگیری القاب و صفاتی برای نامیدن گروه‌های خودی یا غیرخودی، پیامهای متفاوتی را به خواننده میرساند. صفات بکاررفته برای شاهان، نشان از اهمیت مقام شاه در نزد فردوسی دارد. برای توصیف دشمن از صفاتی مانند بدنزاد، بداندیش، بدگهر، بدخواه و... استفاده شده که درجهت تحقیر و تضعیف جایگاه آنها انتخاب شده است.

بدارید چندانکه باید سپاه / بدان تا نیابد بداندیش راه (همان، ج ۳، ص ۸۳ ب ۵۲۳)

سطح ادبی

ایجاز، اطناب و مساوات: نامه‌های شاهنامه گاهی کوتاه و گاهی طولانی‌ند و «از یک بیت تا یکصد و شانزده بیت در نوسان هستند» (از رنگ گل تا رنج خار، سرامی: ص ۲۴۳). بطوریکه نامه گودرز به پیران و پسه در ۱۱۶ بیت سروده شده است. اما «نامه‌ها در شاهنامه هرگز جنبه اطناب به خود نمیگیرند و اغلب در چند بیت باختصار بیان میشود اما با وجود ایجاز دارای تصاویر دلنشین، مضامین سلحشورانه، هیجان و یکپارچگی و کمال است، نامه‌ها اغلب با یک یا چند بیت ستایش خداوند آغاز میگردد» (بیست و یک گفتار درباره شاهنامه فردوسی، رستگار فسایی: ص ۲۱۶).

از منظر سطوح ارتباطی، اطناب در نامه‌های بالادست به زیردست نمایانتر است که آن‌هم بیشتر متوجه بسط و تأکید و توضیح معناست. برخلاف آن در نامه‌های زیردستان به بالادست که کوتاه‌ترند، اطناب در آنها بسبب تعریف و تمجید از مخاطب و مقدمه‌چینی برای بیان مطلب است. رکن اصلی نیز با ایجاز بیان میشود. اما در نامه‌های هم‌تایان به یکدیگر از آنجاکه از لحاظ مقام و مرتبه تفاوتی میان آنان نیست، گونه‌ای اعتدال و مساوات در بیان دیده میشود. از منظر نوع نامه‌ها نیز بعنوان مثال، شتاب و عصبانیتی که در بیم‌نامه‌ها و تهدیدنامه‌ها وجود دارد، مجالی برای سخن‌پردازی باقی نمیگذارد، بنابراین اکثر اینگونه نامه‌ها موجز هستند.

همچنین بکار بردن ارکان متمایز در نامه‌های شاهنامه بدلیل توجه شاعر به سبک اطناب در آن بوده است. بخش متن اصلی نامه‌های موجود در بخش تاریخی شاهنامه، با توجه به مستند و تاریخی بودن این بخش، طولانی‌تر و دقیق‌تر هستند، زیرا در دو بخش اول شاهنامه، خصوصاً بخش اساطیری، نامه‌ای بعنوان سند در اختیار فردوسی نبوده و او مجبور بوده تنها به محتوای کلی نامه‌ها اشاره کند و در مواردی حواشی و افزوده‌هایی به آن اضافه کند. اما در نامه‌های بخش تاریخی، بدلیل موجود بودن اسناد و مدارک، نامه‌ها با جزئیات و دقت بیشتری ذکر میشوند. با وجود آنکه بخش تاریخی حدود یک سوم کل شاهنامه را شامل میشود، دوسوم نامه‌های شاهنامه در این بخش آمده است و این بیانگر این نکته است که فردوسی بدلیل رعایت امانت‌داری میتوانسته در ذکر نامه‌ها دقیق‌تر و راحت‌تر عمل کند.

صور خیال: از آنجاکه مقصود از نامه‌نگاری رساندن پیغام و اخبار است، طبیعتاً فردوسی نمیتوانسته در نامه‌ها صورخیال چندانی بیافریند. همانطور که شفیعی کدکنی مینویسد: «در حماسه، اغراق شاعرانه، جای همه انواع تصاویر را میگیرد. زیرا تشبیه و استعاره حادثه را محدود و کوچک میکند» (صور خیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی: ص ۴۴۷). در اجزای نامه نیز خصوصاً در بخشهای ذکر فرستنده و مخاطب و متن اصلی، اغراق صورت خیالی پرکاربرد است، اما با در نظر گرفتن ارکان نامه‌ها و ساختار آنها، به ترتیب بسامد آرایه‌هایی مانند اغراق، تشبیه، استعاره و کنایه در بخشهای مختلف نامه‌ها بطور پراکنده وجود دارد که در ادامه به این مطلب میپردازیم. کاربرد صور خیال در نامه‌ها با توجه به ارکان نامه‌ها:

اجزای نامه‌ها	تلمیح	تشبیه	استعاره	کنایه	اغراق
۱- ظاهر نامه	-	۶۲٪	۳۷٪	-	۴٪
۲- نیایش	۱۰۰٪	-	-	-	-
۳- ذکر فرستنده و مخاطب	-	۲۵٪	۴۵٪	۲۲٪	۷۱٪
۴- متن اصلی	-	۱۳٪	۱۸٪	۱۹٪	۲۵٪
۵- دعا و خاتمه	-	-	-	۵۹٪	-

کاربرد صورخیال در نامه‌ها را با در نظر گرفتن ارکان نامه پراحتی میتوان سنجید. در بخش نخست نامه‌ها با نام «نیایش خداوند»، تنها از تلمیحات آن‌هم تلمیحات مذهبی و دینی استفاده میشود، زیرا تشبیه و استعاره و اغراق کاربردی در توصیف خداوند ندارند:

ز بنده نخواهد جز از راستی / نجوید به داد اندرون کاستی (شاهنامه، ج ۸، ص ۱۷۳ ب ۲۰۵۴)
کسی را که خواهد کند ارجمند / ز پستی برآرد به چرخ بلند (همان، ج ۸، ص ۱۷۷ ب ۲۱۱۲)
صورخیال در بخش دوم نامه‌ها «ذکر فرستنده و مخاطب نامه و ستایش او» محدود به اغراق میشود که در دو شکل بیان مفاخره برای نویسنده نامه و ذکر بزرگیها و ستایش مخاطب بکار رفته‌اند.
به رزم اندرون زهر تریاک سوز / به بزم اندرون ماه گیتی‌فروز (همان، ج ۱، ص ۲۰۶ ب ۱۰۰۶)
و طبیعی است که اندکی تشبیه نیز در این بخش بکار رفته باشد. در واقع تنها بخشی که در آن تشبیه و استعاره و اغراق و کنایه بسامد زیادی دارد، همین بخش دوم نامه‌هاست.
چمانده دیزه هنگام گرد / چرانده کرکس اندر نبرد (همان، ج ۷، ص ۳۲ ب ۴۶۰)
در متن اصلی نامه که در آن پیام اصلی آمده است، شاهد رکود صورخیال هستیم؛ در این بخش از تشبیه و استعاره خبری نیست و تنها کنایه و اغراق آن‌هم با بسامدی ناچیز دیده میشود:
کمین ساختم از پس پشت اوی / نماندم بجز باد در مشت اوی (همان، ج ۲، ص ۱۲۵ ب ۷۶۶)
بینبارم این رود جیحون به مشک / به مشک آب دریا کنم پاک خشک (همان، ج ۶، ص ۷۶ ب ۱۲۶۵)
که یک تن سر از گل مشورید پاک / مدارید پاک از بلند و مفاک (همان، ج ۶، ص ۱۴۲ ب ۱۱۲)
چو شمشیر هندی به چنگ آیدش / ز دریا و از کوه ننگ آیدش (همان، ج ۶، ص ۱۹ ب ۲۸۱)
در این بخش اگر تشبیه و استعاره‌ای یافت شود یا بجهت ضرورت رعایت وزن و قافیه آمده است و یا برای تفهیم مطلب به مخاطب از آن استفاده شده است:

درودت فرستاد و پاسخ نوشت / یکی خوب پاسخ بسان بهشت
سوی نیمروز اندرون تا به سند / جهان شد به کردار روی پرند (همان، ج ۵، ص ۱۶۰ ب ۲۲۳)
به پاسخ چنین بود توقیع شاه / که آن کس که خستو شود بر گناه
چو بیمار زار است و ما چون پزشک / ز دار و گریزان و ریزان سرشک (همان، ج ۸، ص ۲۶۶ ب ۳۶۶۳-۳۶۶۴)
بدانگونه شادم که تشنه بر آب / وگر سبزه تیره بر آفتاب (همان، ج ۹، ص ۲۰۴ ب ۳۲۷۶)
در بخش پایانی نامه‌ها که مفاد دعا در حق مخاطب نامه‌ها را در خود جای دارد نیز طبیعتاً استعاره و تشبیه و حتی اغراق چندانی وجود نخواهد داشت و بار اصلی کاربرد صورخیال بر دوش ترکیبات کنایی مفید معنای دعا است:

سرت سبز باد و دلت پر ز داد (همان، ج ۵، ص ۳۴۳ ب ۱۸۲۹)، سرت سبز باد و تن و جان درست (همان، ج ۶، ص ۷۴ ب ۱۳۶)، دلت شاد و پشتت به ما گرم باد (همان، ج ۸، ص ۱۷۸ ب ۲۱۲۲) و ...

اغراق: از منظر بسامد بیشترین صورت خیالی موجود در نامه‌ها مربوط به اغراق است. البته از آنجاکه هدف اصلی در نگارش نامه‌ها، رساندن پیام است که صراحت و روشنی را ایجاب میکند، طبیعی است که نتوان صورخیال چندانی در نامه‌های شاهنامه یافت، جز اغراق که ذات حماسه است و آن‌هم در بخش دوم انواع نامه‌ها یعنی «ذکر فرستنده و مخاطب نامه و ستایش او»، جایی که نویسنده نامه از خدمات خویش را یادآور میشود یا جایی که به

مدح و ستایش مخاطب می‌پردازد، اغراق دیده می‌شود. همچنین در موارد کمی نیز در بخش چهارم یعنی «رکن اصلی» البته در برخی نامه‌ها شاهد اغراق هستیم.

اغراقها در نامه‌ها عموماً در دو شکل زیر بکار رفته اند:

۱- در شکل مفاخره برای نویسنده نامه:

از ایران برآرم یکی تیره خاک / بلندی ندانند باز از مفاک (همان، ج ۲، ص ۱۱۲ ب ۶۷۷)

بینبارم این رود جیحون به مشک / به مشک آب دریا کنم پاک خشک (همان، ج ۶، ص ۷۶ ب ۱۲۶۵)

۲- در شکل ستایش مخاطب نامه‌ها یا تهدید مخاطب:

ز باد عمود تو کوه بلند / شود خاک نعل سرافشان سمند (همان، ج ۱، ص ۲۰۱ ب ۱۰۰۸)

این دو شکل بیشتر در بخش دوم نامه‌ها «ذکر فرستنده و مخاطب نامه و ستایش او» آمده است. زیرا در بخش آغازین نامه‌ها «تاییش» بخاطر مخاطب خاص نیایشها، اغراق وجود ندارد، البته گاه پیش از شروع نگارش نامه، زمانی که مقدمات نگارش نامه مهیا می‌شود (آماده ساختن مرکب و قلم و) شاهد اغراق هستیم:

بفرمود تا رفت پیشش دبیر / سر خامه را کرد پیکان تیر (همان، ج ۲، ص ۱۱۳ ب ۶۹۰)

همچنین، از منظر نوع نامه‌ها، بیشترین اغراق در منشورها وجود دارد. در منشورها، از اقدامات گذشته و کارهای شخصی که قرار است، برایش منشور حکومتی صادر شود، سخن گفته شود که همراه با خودستایی و اغراق است. این بخش از مناشیر درواقع مقدمه‌ای برای صدور حکم (منشور) بوده است.

نهنگ دژم برکشیدی از آب / به دم درکشیدی ز گردون عقاب (همان، ج ۱، ص ۲۰۲ ب ۱۰۲۱)

لازم به ذکر است که ستایشها در بخشهای اساطیری و پهلوانی نسبت به بخش تاریخی شاهنامه (با توجه به دوبرابر بودن نامه‌ها در بخش تاریخی) بسیار اغراق‌آمیزتر است که نظر میرسد با توجه به جنبه تاریخی و مستند بودن بخش تاریخی و با درنظر گرفتن امانت‌داری فردوسی قابل توجیه باشد. بعلاوه اگر ترتیب سرودن بخشهای شاهنامه را با توجه به سیر طبیعی عمر فردوسی درنظر بگیریم، هم فردوسی در هنگام سرودن بخش تاریخی به پختگی رسیده و در سرودن ستایشها پخته‌تر عمل میکند و هم در هنگام سرودن این بخش، با توجه به حکومت نژادی غیرایرانی بر ایران، فردوسی کسی را لایق ستایشهای اغراق‌آمیز خود نمی‌بیند. همانطور که در این بخش، شاهد نکوهش و هجوهای بیشتری هستیم. فردوسی حتی در بخش تاریخی، درباره پادشاه موردعلاقه‌اش، بهرام گور، ستایشهای معمول بکار میبرد.

تشبیه: دومین صورت خیالی که در نامه‌های شاهنامه بسامد بیشتری دارد، تشبیه است. تشبیهات موجود در نامه‌ها را نیز با توجه به ارکان نامه، میتوان به دو نوع تقسیم کرد:

۱- نوع نخست مربوط به ظاهر نامه است و در بخش آغازین نامه یا حتی پیش از شروع نامه‌نگاری آمده است. در این بخش نامه‌ها به «بهشت»، «ارتنگ»، «ارژنگ چین»، «خورشید تابان در بهشت»، «جوی می بهشتی»، «درخت بهشتی»، «زند و اوستا»، «گردان سپهر» و «ماه» تشبیه شده‌اند که مقصود از این تشبیهات زیبایی ظاهر نامه و هنرهایی است که در نوشتن نامه بکار میرفت:

به قیصر یکی نامه باید نوشت / چو خورشید تابان به خرم بهشت (همان، ج ۹، ص ۷۷ ب ۱۱۴۶)

یکی نامه برسان ارژنگ چین / نوشتند و کردند چند آفرین (همان، ج ۹، ص ۱۸۶ ب ۲۹۹۹)

از آنجاکه آراستن نامه‌ها در قدیم رسمی معمول بوده است، فردوسی با کمک تشبیه به این رسم اشاره کند:

مرآن نامه را زود پاسخ نوشت چبیاراست قرطاس را چون بهشت (همان، ج ۷، ص ۹۴ ب ۱۶۰۳)

یکی نامه بنوشت ارتنگ‌وار / نیش‌تند پر رنگ و بوی و نگار (همان، ج ۸، ص ۴۱۸ ب ۱۶۹۰)
گاهی نیز برای مقدمات نگارش نامه‌ها (آماده کردن قلم: شستن قلم با عنبر و...) از تشبیه بهره می‌گیرد و تصاویر خیالی می‌آفریند:

هم اندر زمان پاسخ نامه کرد / ز مژگان تو گفتمی سر خامه کرد (همان، ج ۱، ص ۱۰۱ ب ۱۷۲۴)

یکی نامه‌ای بر حریر سپید / نویسنده بنوشت تابان چو شید (همان، ج ۹، ص ۳۲۱ ب ۱۳۵)

۲- نوع دوم، تشبیهاتی هستند که به نویسنده نامه یا مخاطب نامه ارتباط دارند:

مربوط به نویسنده نامه:

بینداختم چون یکی ازدها / بریدم سرش از تن بی بها (همان، ج ۱، ص ۱۲۵ ب ۷۶۸)

مربوط به مخاطب نامه:

دو سنگی، دو جنگی، دو شاه زمین / میان کیان چون درخشان نگین (همان، ج ۱، ص ۹۹ ب ۳۴۴)

گاه فردوسی با تشبیه در نامه‌ها می‌کوشد، فضای موجود را برای خواننده آشکار کند تا عواطف و احساسات وی را برانگیزد؛ بعنوان مثال با تشبیه کفن به جوشن و خون به کلاه، فضای شکست و ناامیدی بخوبی به خواننده منتقل می‌شود:

که این قادسی گورگاه من است / کفن جوشن و خون کلاه من است (همان، ج ۹، ص ۳۲۱ ب ۱۲۸)

استعاره: «استعاره چنان که دیگران هم گفته‌اند در شاهنامه نسبت به تشبیه در اقلیت قرار دارد، زیرا پیداست حماسه محصول روزگارانی است که هنوز ذهنیت انسان پیچیدگی نیافته و از عالم عینیات و محسوسات فاصله نگرفته است» (درآمدی بر اندیشه و هنر فردوسی، حمیدیان: ص ۴۰۹). استعاره‌های موجود در نامه‌های شاهنامه بیشتر در شکل تشخیص و اسناد مجازی هستند و لفظ مستعار این تشخیصها، بیشتر عناصر آسمانی مانند آسمان، اختر، ماه و خورشید و اندکی بخت هستند که در موضوع سرنوشت و تقدیر دارای ویژگیهای انسان‌گونه شده‌اند.

چنین بیوفا گشت گردان سپهر / دژم گشت و ز ما ببرید مهر (شاهنامه، ج ۹، ص ۳۲۰ ب ۱۱۸)

ز چارم همی بنگرد آفتاب / کزین جنگ ما را بد آید شتاب (همان، ج ۹، ص ۳۱۳ ب ۳۹)

ز بهرام و زهره است ما را گزند / نشاید گذشتن ز چرخ بلند (همان، ج ۹، ص ۳۱۳ ب ۴۰)

گشاده شد آن گنگ افراسیاب / سر بخت او اندر آمد به خواب (همان، ج ۵، ص ۳۲۳ ب ۱۴۶۷)

گاهی نیز برای مقدمات نگارش نامه‌ها (آماده کردن قلم: شستن قلم با عنبر و...) از استعاره (در شکل تشخیص) بهره می‌گیرد و تصاویر خیالی می‌آفریند:

چو عنبر خامه چین بشست / سر نامه بود آفرین از نخست (همان، ج ۶، ص ۴۰۴ ب ۴۱۷)

قلم چون دو رخ را به عنبر بشست / سر نامه کرد آفرین از نخست (همان، ج ۸، ص ۱۶۹ ب ۱۹۸۵)

از ویژگیهای جالب که در شاهنامه و نامه‌های آن دیده می‌شود، تشخیص دادن به بخت است. این نوع نگرش بیانگر توصیف قدرت بخت در نظر خواننده است: سر بخت ترکان به گاز آمدست (همان، ج ۵، ص ۱۵۷ ب ۱۲۸۴)، سر بخت ترکان نگوئسار شد (همان، ج ۷، ص ۳۹۷ ب ۱۶۴۷)، نه بر باد و با بخت لاغر بدند (همان، ج ۲، ص ۲۶۲ ب ۸۴۲)، چه جوید خردمند بیدار بخت (همان، ج ۳، ص ۷۴ ب ۱۱۵۱)، سر بخت او لندر آمد به خواب (همان، ج ۵، ص ۳۲۳ ب ۱۴۶۷)،

و کاربرد استعاره مصرحه بسیار کم است:

که نر اژدها با سرافراز گرگ / تبه شد به دست دو مرد سترگ (همان، ج ۶، ص ۴۵ ب ۵۸۹)
کنایه: بسامد صفات کنایی در مقایسه با دیگر انواع کنایه در نامه‌های شاهنامه بیشتر است.
چه فرماید اکنون جهان پهلوان / گشایم از ین رنج و سختی روان (همان، ج ۱، ص ۱۷۸ ب ۶۶۶)
کمر بسته خواهند سیصد هزار / ز دشت سواران نیزه‌گذار (همان، ج ۵، ص ۲۹ ب ۹۷)
عنان‌پیچ و اسبافکن و نیزه‌دار / چو من کس ندیدی به گیتی سوار (همان، ج ۱، ص ۲۰۲ ب ۱۰۱۳)
برخی کنایه‌ها نیز بشکل دعا در حق مخاطب نامه‌ها و در بخش دوم «ذکر فرستنده و مخاطب و بخش پنجم «خاتمه» آمده‌اند: سر چرخ گردان زمین تو باد (همان، ج ۴، ص ۲۶۳ ب ۸۴۸) همیشه سر تخت جای تو باد (همان، ج ۵، ص ۳۴۳ ب ۱۸۳۰)، همه‌ساله با اختر نیک جفت (همان، ج ۵، ص ۲۸۷ ب ۸۸۷)، به خورشید تابان برآورده نام (همان، ج ۵، ص ۱۴۵ ب ۱۰۴۳)
دیگر آرایه‌های ادبی: بجز چهار آرایه ذکرشده (اغراق، تشبیه، استعاره و کنایه) آرایه‌های دیگری نیز با بسامد ناچیز و گاه بصورت ناهدفمند در نامه‌های شاهنامه بکار رفته‌اند، آرایه‌هایی مانند تنسیق الصفات، جناس، واج‌آرایی و تضاد.
تنسیق الصفات: این صنعت در دو بخش نامه‌ها وجود دارد.
۱- در بخش «تپایش» و ذکر صفاتی مربوط به خداوند:
نخست آفرین بر خداوند هور / خداوند مار و خداوند مور (همان، ج ۱، ص ۲۷۰ ب ۱۲۱)
خداوند بهرام و کیوان و ماه / خداوند نیک و بد و فرّ و جاه (همان، ج ۳، ص ۶۴ ب ۹۸۵)
۲- در بخش «ستایش مخاطب»:
خجسته سپهدار بسیار هوش / همه رای و دانش، همه جنگ و جوش (همان، ج ۵، ص ۱۴۵ ب ۹۸۸)
جناس: جناس در نامه‌های شاهنامه بسامد کمی دارند، زیرا در صورت برجستگی، نامه‌ها تصنعی جلوه خواهند کرد:
ندانست کس نام او در جهان / میان کهان و میان مهان (همان، ج ۷، ص ۳۶۴ ب ۱۰۴۲)
چو بیمار زار است و ما چون پزشک / ز دارو گریزان و ریزان سرشک (همان، ج ۸، ص ۲۶۶ ب ۳۶۶۴)
چو از خویشتن نامور داد داد / جهان گشت ازو شاد و او از تو شاد (همان، ج ۸، ص ۳۱۲ ب ۴۴۴۰)
واج‌آرایی:
ز گردون گردان که یارد گذشت / خردمند گرد گذشته نگشت (همان، ج ۶، ص ۳۱۹ ب ۱۶۳۷)
کنون بودنی بود و ما دل به درد / چه داریم ازین گنبد لاجورد (همان، ج ۶، ص ۳۹۶ ب ۲۶۷)
دگر گفت کز گردش روزگار / خردمند بر نگذرد بیگمان (همان، ج ۶، ص ۳۹۶ ب ۲۶۴)
بی اندازه در شهر ما برزن است / به هر برزنی در هزاران زن است (همان، ج ۷، ص ۷۵ ب ۱۲۱۶)
بر ما شکیبایی و دانش است / ز دانش روانها پر از رامش است (همان، ج ۷، ص ۶۵ ب ۱۰۶۰)
تضاد: ز بهر فزونی به تنگ اندریم (همان، ج ۷، ص ۷۴ ب ۱۲۶۲)، همه چیز جفت است و ایزد یکی است (همان، ج ۷، ص ۴۱۲ ب ۱۸۸۹)، چه در آشکار و چه اندر نهفت (همان، ج ۸، ص ۵۰ ب ۳۶۵)،
طرد و عکس:
رباید همی این از آن، آن از این / ز نفرین ندانند باز آفرین (همان، ج ۹، ص ۳۱۸ ب ۱۰۰)
بداندیش گردد پدر بر پسر / پسر بر پدر همچنین چاره‌گر (همان، ج ۹، ص ۳۱۸ ب ۱۰۲)

سطح فکری

در نامه‌های شاهنامه، افکار مختلفی وجود دارد که هریک در بخشهای خاصی از نامه‌ها پراکنده شده‌اند:

اجزای نامه‌ها	یاد خداوند	توحید	مدح	پند	عدل	تقدیرباوری	مفاخره	تهدید
ظاهر نامه	-	-	-	-	-	-	-	-
نیایش	*	*	-	-	*	-	-	-
ذکر فرستنده و مخاطب	-	-	*	-	*	-	*	-
متن اصلی	-	-	*	*	*	*	*	*
دعا و خاتمه	-	-	*	*	*	-	-	*

آغاز نامه‌ها با یاد خداوند: شروع نامه‌ها با ذکر و ستایش خداوند یکی از آیینهای دیرینه ایرانی است که در نامه‌های زیادی از شاهنامه نیز مشاهده میشود. فردوسی در آغاز ۶۵ نامه به اجمال، سخن خویش را با ستایش پروردگار آغاز کرده است. نویسندگان نامه‌ها، ابتدا نامه‌ها را با نام خدا شروع میکنند و گاهی نیز به ستایش خداوند میپردازند: نخست آفرین کرد بر کردگار (همان، ج ۷، ص ۱۵۱ ب ۲۳۹۹)، نخستین ستود آفریننده را (همان، ج ۸، ص ۱۸۲، ب ۲۲۱۵)، سر نامه از کردگار سپهر (همان، ج ۷، ص ۷۴ ب ۱۲۴۲)، سر نامه گفت از خداوند پاک (همان، ج ۷، ص ۲۳، ب ۵۰۱)، نخست آفرین کرد بر دادگر (همان، ج ۹، ص ۱۲۹ ب ۲۰۳۰)، ز خط نخست آفرین گسترد (همان، ج ۱، ص ۱۷۷ ب ۶۶۴۲)، نوشتش به نام خدای جهان (همان، ج ۶، ص ۷۴ ب ۱۲۹)، سر نامه کرد آفرین از نخست (همان، ج ۵، ص ۳۲۳ ب ۱۴۶۳).

توحید و خداشناسی: اساسیترین ابعاد بینش توحیدی فردوسی در بخش آغاز نامه‌ها «نیایش» نمود پیدا میکند. «سراسر شاهنامه گواه است که فردوسی به نیایش و دعا باور دارد. لذا هرگاه که یکی از قهرمانان شاهنامه، خواهشی از خدا دارد، خاضعانه دستها را بسوی آسمان بلند میکند و با خداوند به رازونیا میپردازد» (فردوسی و شاهنامه، امین: ص ۱۲۲).

موضوعاتی مانند جاودانگی خداوند، یگانگی خداوند و بازگشت همه چیز بسوی او، فرمانبرداری زمین و آسمان از خداوند، و متعلق بودن نیکی و بدی به خداوند در بخش آغاز نامه‌ها «نیایش» در حیطه توحید ذکر شده‌اند: نگیرد به سختی جز او دست کس (شاهنامه، ج ۱، ص ۱۲۴ ب ۷۵۸)، خداوند هست و خداوند نیست/ همه بندگانیم و ایزد یکیست (همان، ج ۱، ص ۱۷۷ ب ۶۶۴۴)، کجا هست و باشد همیشه بجای (همان، ج ۱، ص ۲۰۱ ب ۱۰۱)، همه با توانایی او یکیست/ اگر هست بسیار و گر اندکیست (همان، ج ۲، ص ۱۴ ب ۱۳۴)، چرا نه به فرمانش اندر نه چون (همان، ج ۳، ص ۴۵ ب ۶۶۶)، کسی را که خواهد برآرد بلند/ یکی را کند سوگوار و نژد (همان، ج ۳، ص ۴۵ ب ۶۶۴)، خرد پروراند همی با روان (همان، ج ۳، ص ۵۹ ب ۹۰۲)، خردمند را داد او پرورد (همان، ج ۳، ص ۷۴ ب ۱۱۴۶)، که اویست جاوید برتر خدای (همان، ج ۳، ص ۲۴۴ ب ۳۶۹۹)، به نیک و به بد زو رسد کام و زیب (همان، ج ۴، ص ۸۷ ب ۱۲۲۱)، به گیتی ستم یافته شاد ازوست (همان، ج ۵، ص ۳۲۳ ب ۱۴۶۵)، که آرنده و برسرآرنده اوست (همان، ج ۵، ص ۳۳۸ ب ۱۷۴۶)، شناسنده آشکار و نهان (همان، ج ۶، ص ۷۴ ب ۱۲۹)، باشد به فرمان او هرچه خواست (همان، ج ۶، ص ۴۰۶ ب ۴۵۷)، به نیکی همو باشد آموزگار (همان، ج ۷، ص ۲۴۰ ب ۳۸۸)، همه زیر فرمان یزدان بود (همان، ج ۸، ص ۹۹ ب ۷۹۱)، بزرگی و نیک‌اختری زو شناس (همان، ج ۹،

ص ۱۳۰ ب ۲۰۴۶)، کزویست برپای گردان سپهر (همان، ج ۹، ص ۳۲۳ ب ۱۴۶۴)، کند چون بخواهد ز ناچیز چیز (همان، ج ۹، ص ۳۷۷ ب ۳۳۰) و...

ذکر صفات خداوند: طیف وسیعی از صفات خداوند در بخش نیایشهای ابتدای نامه‌ها آورده شده است و درحقیقت یک دوره خداشناسی فشرده و جامع را در خود جای داده است. بیشترین صفات، مربوط به ذکر موجوداتی است که پروردگار بعنوان خالق آنها نامیده شده است و صفت «خداوند» بسامد زیادی دارد، مانند: خداوند خوبی و پاکی و داد (همان، ج ۱، ص ۷۵۷ ب ۱۲۴)، خداوند مار و خداوند مور (همان، ج ۱، ص ۲۷۰ ب ۱۲۱)، خداوند ناهید و بهرام و مهر/ خداوند این برکشیده سپهر (همان، ج ۱، ص ۲۷۰ ب ۱۲۲)، خداوند کیوان و بهرام و هور (همان، ج ۲، ص ۱۴ ب ۱۳۲)، خداوند گردنده خورشید و ماه (همان، ج ۲، ص ۱۱۰ ب ۶۳۸)، خداوند بهرام و کیوان و ماه/ خداوند نیک و بد و فرّ و جاه (همان، ج ۳، ص ۶۴ ب ۹۸۳)، خداوند هوش و زمان و مکان (همان، ج ۳، ص ۵۹ ب ۹۰۲)، خداوند آرامش و کارزار (همان، ج ۳، ص ۶۴ ب ۹۸۲)، خداوند فرّ و خداوند زور (همان، ج ۳، ص ۲۴۴ ب ۳۶۹۹)، خداوند پیروزی و فرهی/ خداوند دیهیم و شاهنشاهی (همان، ج ۶، ص ۲۰۹ ب ۷۵۴)، خداوند جان و خداوند رای (همان، ج ۶، ص ۲۰۹ ب ۷۵۵)، خداوند مردی و هوش و هنر (همان، ج ۷، ص ۲۰ ب ۲۵۲)، خداوند گردنده چرخ بلند (همان، ج ۷، ص ۳۹۴ ب ۱۵۶۹).

دومین صفت پربسامد در بخش آغازین نامه‌ها، صفت «آفریننده» و مشتقات آن است: که هست آفریننده پیل و مور (همان، ج ۲، ص ۱۴ ب ۱۳۲)، نخست آفریننده را یاد کرد (همان، ج ۳، ص ۱۳۶ ب ۲۱۰۸)، جهان و مکان و زمان آفرید/ پی مور و پیل گران آفرید (همان، ج ۴، ص ۸۷ ب ۱۲۲۲)، همو آفریننده پیل و مور (همان، ج ۵، ص ۳۳۸ ب ۱۷۴۷)، آفریننده روزگار (همان، ج ۷، ص ۲۴۰ ب ۳۸۸)، کزویست پرخاش و آرام و مهر (همان، ج ۸، ص ۸۰ ب ۴۸۱)، بر آن دادگر کو سپهر آفرید/ بلندی و تندی و مهر آفرید (همان، ج ۸، ص ۱۶۹ ب ۱۹۸۵)، نگارنده برکشیده سپهر (همان، ج ۸، ص ۸۰ ب ۴۸۱).

همانطور که مشاهده میشود از بین این موجودات، اجرام فلکی بیشترین بسامد را دارا هستند. این موضوع بیانگر اعتقاد پیشینیان بر تأثیر اجرام فلکی بر زندگی مردم بوده است. ذکر تقلیل پیل و مور نیز تنها بخاطر ذکر بزرگترین و خردترین موجودات و در معنای تعمیم دادن عبودیت به همه مخلوقات است.

همچنین از نگاه فردوسی، تاج و تخت و سلطنت و لوازم آن نیز ازسوی خداوند به شاهان بخشیده شده است: فرازنده تاج و تخت و کلاه (همان، ج ۳، ص ۴۵ ب ۶۶۴)، خرد داد و جان و تن زورمند/ بزرگی و دیهیم و تخت بلند (همان، ج ۴، ص ۸۷ ب ۱۲۲۴)، نگارنده فرّ و دیهیم و زور (همان، ج ۴، ص ۲۶۲ ب ۸۳۳)، خداوند پیروزی و فرهی/ خداوند دیهیم و شاهنشاهی (همان، ج ۶، ص ۲۰۹ ب ۷۵۴)، کزویست پیروزی و دستگاه (همان، ج ۸، ص ۷۹ ب ۴۶۴)، فروزنده فرّ و دیهیم و گاه (همان، ج ۸، ص ۹۹ ب ۷۸۹)، و...

ستایش: با توجه به سطوح ارتباطی نامه که در مقاله مشخص شده است، دعاها نیز طبق همین دسته‌بندی و از سوی همین افراد به یکدیگر ابراز میشوند. در تمامی نامه‌های شاهنامه معمولاً پس از ذکر فرستنده و مخاطب، به ستایش از مخاطب پرداخته شده است. البته ذکر فرستنده و مخاطب نامه در نامه‌های شاهنامه یکسان نیست؛ گاهی هم فرستنده و هم مخاطب و گاهی فقط یکی از آنها ذکر میشود. همچنین گاهی ذکر فرستنده و مخاطب با یکی از آنها همراه میشده و در ضمن ذکر القاب و نعوت متناسب با مرتبه و مقام آنها و گاهی نیز فرستنده و مخاطب بدون القاب و نعت ذکر شده‌اند. در هر صورت این رکن از نامه، به موضوع نامه و مرتبه و مقام فرستنده و مقام او و مخاطب فرستنده بستگی دارد.

ستایش در نامه‌های شاهنامه به دو شکل آمده است یا مخصوص به شاهان است یا مخصوص به پهلوانان. فردوسی در بخش دوم نامه‌هایش، نیایش خداوند را به ستایش شاه پیوند میزند. پاکدلی، دادگری، رزمجویی و بزم‌افروزی صفاتی است که در ستایش شاهان مخاطب نامه یا ستایش شاهانی که در بخش آغاز نامه، نام آنها ذکر شده است، آمده‌اند. «برازنده‌ترین شاه در اندیشه فردوسی، بهرام گور است و بهرام پادشاهی است که پنج خصلت برتر یعنی دلیری، شادخواری، پاکدلی، آیین‌گرایی و دادگری را به کمال دارا ست» (از رنگ گل تا رنج خار، سرامی: ص ۲۰۲).

در ستایش بهرام گور:

خداوند بخشایش و راستی / گریزنده از کژی و کاستی (شاهنامه، ج ۷، ص ۳۰۶ ب ۳۹)

در ستایش فریدون:

همش داد و هم دین و هم فرهی / همش تاج و هم تخت شاهنشهی (همان، ج ۱، ص ۱۲۴ ب ۷۶۰)

همچنین فردوسی در بخش آغاز نامه‌هایش، گاه ستایش شاه را به ستایش پهلوان پیوند میزند.

سپاس از جهاندار فریادرس / نگیرد به سختی جز او دست کس

دگر آفرین بر فریدون برز / خداوند تاج و خداوند تاج و خداوند گرز (همان، ج ۱، ص ۱۲۴ ب ۷۵۸-۷۵۹)

یکی از مهمترین دعاها در حق مخاطبان نامه، آرزوی بخت نیک است: تو را باد شادان دل و نیک‌بخت (همان، ج ۶، ص ۲۱۰ ب ۷۵۵)، که بت و رد رهنمون تو باد (همان، ج ۸، ص ۱۸۳ ب ۲۲۲۵).

همچنین با توجه به درنظر گرفتن نقش آسمان در سرنوشت انسان، یکی از دعاها موجود در نامه‌ها، آرزوی یاری سپهر در حق مخاطب نامه است: به کام تو گردنده گرخ بلند (همان، ج ۸، ص ۲۷۹ ب ۲۳۲۷)، سپهر گراینده یار تو باد (همان، ج ۷، ص ۳۶۶ ب ۱۰۸).

از منظر موضوعی نیز دعاها و ستایشها برای مخاطبان موجود در نامه‌های شاهنامه، اغلب در موضوعات زیر آمده است:

طلب آفرین خدا برای مخاطب: درود جهان آفرین بر تو باد (همان، ج ۹، ص ۲۰۵ ب ۳۲۹۴)، طلب آفرین دیگران برای مخاطب: زبانها پر از آفرین تو باد (همان، ج ۴، ص ۲۶۳ ب ۸۴۸)، دعای استوار بودن پادشاهی مخاطب: که جاوید تاج تو پاینده باد (همان، ج ۷، ص ۲۴۶ ب ۴۸۵)، دعای جاودانگی: که جاویدبادی و روشن‌روان (همان، ج ۵، ص ۱۴۱ ب ۹۸۷)، آرزوی خردمندی برای مخاطب: که بخت و خرد رهنمون تو باد (همان، ج ۸، ص ۱۸۳ ب ۲۲۲۵)، طلب شادی برای مخاطب: ز شادی مبدا دل او رها (همان، ج ۳، ص ۷۷ ب ۱۱۸۵)، طلب فرجام نیک برای مخاطب: همه نیکویی باد فرجام کار (همان، ج ۳، ص ۴۵ ب ۶۶۸).

پند و اندرز: اگرچه در شاهنامه نامه‌هایی وجود دارد که در آن از پند و اندرز سخن بمیان آمده و تحت عنوان «اندرزنامه» از آنها یاد میشود، در خلال انواع نامه‌های دیگر شاهنامه نیز پند و اندرز نیز دیده میشود:

در بینبازی به شمشیر جوی / به کشور بود شاه را آبروی (همان، ج ۳، ص ۶۵ ب ۹۹۸)

ز چیز کسان دست کوتاه دار / روان را سوی راستی راه دار (همان، ج ۹، ص ۷۷ ب ۱۳۳۳)

دادگری: «داد و دادگری بیش از هر چیز مورد توجه حکیم طوس بوده است. او بیپروا در برابر ستمگران و زورمندان می‌ایستد و یک‌تنه به آنان می‌تازد و می‌فهماند که در هر درجه و مقامی که باشند باید به اصل دادگری توجه کنند و در اعمال و رفتار خود آن را پایه و اساس قرار دهند» (جاذبه‌های فکری فردوسی، رنجبر: ص ۹۱). سفارش به

عدل و دادگری یکی از مضامین نامه‌های شاهنامه است که البته بعنوان یکی از صفات خداوند در آغاز نامه‌ها - بخش نیایش - نیز آمده است:

نخست از جهان آفرین کرد یاد / خداوند خوبی و پاکی و داد (شاهنامه، ج ۱، ص ۱۲۴ ب ۷۵۷)
یکی از دلایل ستودن پروردگار به صفت دادگری در آغاز نامه‌ها، تذکر دادن مخاطب و دعوت او به عدالت است. بعلاوه داد داده خداوند است: توانایی و دانش و داد ازوست (همان، ج ۵، ص ۲۳ ب ۱۶۴۵)
به همین سبب یکی از دعا‌های نیکو در حق مخاطب آرزوی دادگری اوست: سرت سبز باد و دلت پر ز داد (همان، ج ۵، ص ۳۴۳ ب ۱۸۲۹)، به هر کار فرمان مکن جز به داد (همان، ج ۸، ص ۲۷۷ ب ۲۲۴۱)، به داد و دهش دل توانگر کنید (همان، ج ۶، ص ۴۰۴ ب ۴۱۳)، همه داد جوید و فرمان کنید (همان، ج ۷، ص ۲۴۱ ب ۳۹۴).
همچنین در نامه‌های شاهنامه، خرد و داد لازم و ملزوم یکدیگرند و در کنار هم بعنوان دو ویژگی اخلاقی می‌آیند. زیرا «عدل و داد در جایی تحقق می‌پذیرد که عقل و خرد موجود باشد» (دفتر عقل و آیت عشق، ابراهیمی دینانی: ص ۳۸). که داد و خرد باشدش تاروپود (شاهنامه، ج ۷، ص ۴۱۳ ب ۱۹۱۳).

اشاره به باور تأثیر اجرام آسمانی بر سرنوشت آدمی: در نامه‌ها به تأثیر آسمان بیش از اختران تأکید شده است: بدین گونه بد گردش آسمان (همان، ج ۶، ص ۳۱۸ ب ۱۶۲۳)، بر آن بود چرخ روان را روش (همان، ج ۱، ص ۱۷۸ ب ۶۵۶)، ز گردون به من بر ستمها رسید (همان، ج ۱، ص ۷۷ ب ۶۵۱)، چنان دان که خورشید داد تو داد (همان، ج ۲، ص ۱۳۲ ب ۸۷)، دهد مر مرا اختر نیک بر (همان، ج ۵، ص ۱۵۱ ب ۱۱۷۴)،
تقدیرباوری: «سرچشمه تفکری که به نام خیام شهرت یافته و شعرای دیگر از جمله حافظ بدان توجه داشته‌اند را باید در شاهنامه جست» (زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه، اسلامی ندوشن: ص ۸۷). از نظر فردوسی اجرام آسمانی تنها مخلوقات خداوند و مقهور اراده خالق هستند و اراده الهی (تقدیر) بر گردش ستارگان غالب است: کسی را که او پروراند به مهر / بر آن کس نگرود به تندی سپهر (شاهنامه، ج ۵، ص ۳۳۸ ب ۱۷۴۹)
زمان نیز یکی از کارگزاران تقدیر و سرنوشت است که با اسامی روزگار و زمانه نیز از آن یاد شده است و در مفهوم بداقبالی یا خوش‌اقبالی بکار رفته است: بسنده نباشد کسی با زمان (همان، ج ۶، ص ۳۱۸ ب ۱۶۳۳)، زمانه نه کاهد نه خواهد فزود (همان، ج ۷، ص ۹۴ ب ۱۶۱۲).

مفاخره: بیشتر در بخش آغازین نامه‌ها آمده است، البته بسامد ذکر ستایش مخاطب بیشتر از تعداد مفاخره است: که دریای چین را ندارم به آب / شود کوه ز آرام من در شتاب (همان، ج ۸، ص ۱۷۱ ب ۱۹۹۸)
منم فور وز فور دارم نژاد / که از قیصران کس نکردیم یاد (همان، ج ۷، ص ۳۳ ب ۴۹۰)
ندانی که ایران نشست من است / جهان سر به سر زیر دست من است؟ (همان، ج ۲، ص ۱۴۷ ب ۳۱۹)
تهدید و توبیخ: با درنظر گرفتن نوع ادبی شاهنامه که جنگ و حماسه رکن اصلی آن است، موضوع تهدید و توبیخ یکی از ارکان اصلی سخنان و نامه‌های موجود در این اثر محسوب میشود که بیشتر در بیم‌نامه‌ها دیده میشود: وگر نه بیارای چنگ مرا / به گردن بپیمای هنگ مرا (همان، ج ۷، ص ۱۴۰ ب ۲۱۱)
بیارم ز گردون هزاران هزار / همه کار دیده همه نیزه دار (همان، ج ۶، ص ۸۲ ب ۳۴۱)
مرا بیش خوانی تو را شرم نیست / خرد را بر مغزت آزر نیست (همان، ج ۷، ص ۳۳ ب ۴۸۴)
تو با خوبرویان برآمیختی / به بزم اندر از رزم بگریختی (همان، ج ۳، ص ۶۶ ب ۱۰۰۵)
بررسی سطح فکری نامه‌های شاهنامه با توجه به انواع و ارکان نامه‌های شاهنامه

دربارهٔ ارکان نامه‌های شاهنامه ذکر این نکته ضروری مینماید که ترتیب این ارکان در همهٔ نامه‌ها یکسان نیست و در برخی موارد این ارکان پس و پیش آمده است؛ مثلاً با آنکه ستایش خداوند در رکن اول اکثر نامه‌ها دیده میشود، در بعضی موارد ابتدا نام فرستنده یا مخاطب ذکر شده و پس از آن ستایش خداوند پرداخته شده است، مانند نامهٔ اسکندر به موبدان و کاردلان ایران (همان، ج ۵، ص ۵۶۳-۵۶۲ ب ۴۲۶-۴۱۹) و یا نامهٔ کیخسرو به ساکنان دژ بهمن (همان، ج ۲، ص ۴۶۴ ب ۶۲۶-۶۲۲).

چنانکه گفته شد رکن اصلی نامه را نمیتوان حذف کرد، زیرا موضوع اصلی در آن آمده است. در بعضی موارد گاهی نامه فقط دارای رکن اصلی است مانند نامهٔ افراسیاب تورانی به پیران ویسه با موضوع فرمان که تمامی ابیات نامه حاوی موضوع اصلی است (همان، ج ۳، ص ۳۱۲ ب ۱۶۵۳-۱۶۵۱).

در برخی نامه‌های شاهنامه، نیایشها طولانی و در برخی مانند تعهدنامه بسیار مختصر هستند. در فتح‌نامه‌ها بخش نیایش ابیات بیشتری به خود اختصاص داده است، شکرگزاری از پیروزی بدست آمده و اینکه این پیروزی را عنایت خداوند دانستن، علت طولانی شدن نیایش در فتح‌نامه‌ها بوده است. البته میتوان پیام غیرمستقیم دیگری از این نوع نیایش دریافت کرد که همان القای داشتن فره ایزدی و مورد تأیید بودن پادشاه از سوی خداوند است. در پیمان‌نامه‌ها بخش نیایش مفصلتر از دیگر انواع نامه است و در برخی عهدنامه‌ها نیمی از ابیات به نیایش به درگاه الهی اختصاص داده شده است؛ زیرا در این نامه‌ها سخن از عهد و پیمان و تعهد درمقابل کسی است، در نتیجه دیانت، تکیه بر یزدان پاک و شاهد گرفتن او بر صداقت تعهد، مهمترین ضمانت برای عمل به این تعهدات است. نیایش در تعهدنامه‌ها نیز در شکل ضمانت الهی برای پشتوانهٔ تعهدات ذکر میشود، درواقع نویسندهٔ نامه، خداوند را شاهد یا پشت و پناه خویش برای تعهد به انجام اعمال میداند.

امان‌نامه‌ها در شاهنامه به دو دسته تقسیم میشوند: امان‌خواهی فرد یا گروهی از شاه (ضعیف از قوی) و امان دادن شاه به زیردستان (قوی به ضعیف) که بیشتر امان‌نامه‌ها در شکل نخست است و از نظر حجم، مفصلتر از شکل دوم است. در شکل اول معمولاً نیایشی وجود ندارد اما در شکل دوم (امان دادن شاه به زیردستان) نیایش با ابیات بیشتری پرداخته میشود. پاسخ برخی نامه‌ها بطور مثال بیم‌نامه‌ها و تهدیدنامه‌ها بدون نیایش است و در ساختار پوزش‌نامه‌ها نیز معمولاً نیایش دیده نمیشود. اکثر منشورهای شاهنامه بدون نیایش شروع میشوند و بخش اعظم آنها ستایش و بیان خدمات فرد موردنظر است که با زبانی ساده و بدون تکلف بیان میشود.

ستایشها در عهدنامه و پیمان‌نامه‌ها، از ضعیف به قوی صورت میگیرد، زیرا فرد ضعیف حاضر میشود تعهدی را نسبت به فرد قوی بر گردن گیرد، در نتیجه او را با الفاظ و عبارات نیکو ستایش میکند تا زمینهٔ پذیرش در مخاطب فراهم آید. اینگونه نامه‌ها اغلب مورد پذیرش واقع میشوند.

در بخش پایانی فتح‌نامه‌ها، ستایشها و دعاهایی دیده میشود، این بخش بسته به اینکه فتح‌نامه در شکل اول (از فرمانده به شاه) یا دوم (از شاه به حاکمان اطراف) باشد، متفاوت است. در شکل اول، ستایش و دعا در حق شاه یا پهلوان انجام میشود:

فلک روشن از تاج گشتاسب باد / زمین گلشن از شاه لهراسب باد (همان، ج ۶، ص ۲۱۰ ب ۷۶۵)

دگر آفرین کرد بر پهلوان / که بیداردل باش و روشن‌روان (همان، ج ۲، ص ۱۹۴ ب ۳۲۱)

و در شکل دوم، دعا بصورت عام و با ضمیر جمع می‌آید، درواقع در حق مخاطبان نامه دعا انجام میشود:

ز دارنده بر جان آن کس درود / که از مردمی باشدش تاروپود (همان، ج ۷، ص ۳۹۹ ب ۱۶۷۴)

در امان‌نامه‌ها، اگر امان‌نامه در پاسخ به امان‌خواهی باشد، معمولاً کوتاه و مختصر بیان میشود و تنها به پذیرفتن یا نپذیرفتن آن اکتفا میشود. اما اگر پادشاه خود امان‌نامه صادر کرده باشد، همراه با نصیحت و پند و اندرز صادر میشود. بخش پایانی امان‌نامه‌ها معمولاً سفارش به دادگری و مهرورزی و تأکید بر وجود آن در پادشاهی است که امان‌نامه را صادر کرده است. در فتح‌نامه‌ها، گاهی علاوه بر خبر پیروزی، نصایحی نیز در بخش اصلی فتح‌نامه‌ها از سوی پادشاه پیروز گنجانده میشود که بیشتر در موضوع دادگری و خردورزی است و درحقیقت فراخواندن دیگر شاهان به اطاعت از خویش است.

کیفیت بخش «خاتمه نامه» کاملاً وابسته به رکن اصلی، یعنی همان موضوع اصلی نامه است، مثلاً اگر موضوع اصلی نامه، قدردانی است، در خاتمه نامه معمولاً دعا برای مخاطب آورده شده است. مانند نامه افراسیاب به سیاوش (همان، ج ۳، ص ۱۱۱) یا نامه کیخسرو به رستم (همان، ج ۴، ص ۴۶-۴۴) یا اگر موضوع اصلی درخواست بوده، خاتمه نامه معمولاً حاوی وعده دادن و دلگرمی به مخاطب است (مانند نامه قیصر به خسرو پرویز (همان، ج ۹، ص ۲۰۵-۲۰۲) و یا نامه دارا به فوز هندی (همان، ج ۶، ص ۳۹۸) یا در نامه‌هایی که موضوع اصلی فرمان است، خاتمه نامه حاوی سرزنش، تهدید و یا وعده و وعید است مانند نامه کاووس به سیاوش (همان، ج ۳، ص ۶۴-۶۶) یا نامه اسکندر به موبدان و کاردانان (همان، ج ۶، ص ۴۰۶-۴۰۴) یا نامه اسکندر به کید (همان، ج ۷، ص ۱۹-۲۰) قابل به یادآوری است که این رکن از نامه‌ها نیز در برخی موارد حذف شده است.

نتیجه‌گیری

در شاهنامه فردوسی با انواع مختلفی از نامه از قبیل: ۱- نامه تهدید، ۲- فتح‌نامه، ۳- نامه درخواست یاری، ۴- صلح‌نامه، ۵- سوگ‌نامه، ۶- عهدنامه، ۷- اندرزنامه، ۸- نامه عذرخواهی، ۹- گزارش کار بوسیله نامه و ۱۰- نامه‌های درخواست ازدواج و خواستگاری روبرو هستیم. در ساختار اغلب نامه‌های شاهنامه میتوان پنج رکن، ۱- ستایش خداوند، ۲- ذکر فرستنده و مخاطب نامه و ستایش او، ۳- مقدمه متناسب با رکن اصلی نامه، ۴- رکن اصلی نامه و ۵- خاتمه نامه را مشاهده کرد. این پنج رکن در اکثر نامه‌های شاهنامه دیده میشود، اما در برخی نامه‌ها، بعضی ارکان حذف شده‌اند؛ اما تنها رکنی که در همه نامه‌ها آمده رکن اصلی نامه است که موضوع اصلی نامه را شامل میشود.

فردوسی مضمون نامه‌ها را با واژگان و عباراتی متناسب بیان میکند که باعث زیبایی بیشتر آنها شده است. مثلاً هرگاه نامه تهدیدآمیز است، از واژگان متناسب با تهدید همانند، جنگ و خشم و غیره استفاده شده است. شاهان نیز متناسب با قدرت و اقتدار خود نامه مینویسند. نامه‌های آنان هرگز با عجز و ناتوانی همراه نیست، بلکه قدرت و عظمت در سراسر آنها بخوبی نمایان است.

تعداد جملات معلوم بسیار بیشتر از جملات مجهول است و جملات خبری و امری بیشترین بسامد را دارا هستند که بیشتر در بخش قسمت اصلی نامه و بمنظور بیان خبر و پیام یا ابراز خواسته‌ها و بیان دستورات آمده‌اند. تعداد جملات پرسشی در نامه‌ها بسیار محدود است و همین تعداد نیز بقصد طلب اخبار بکار رفته‌اند. ضمیر «من» در نامه‌ها در مقایسه با سایر ضمایر بسامد بیشتری دارد.

فردوسی با تمام دقتی که در بکارگیری ایجاز و اختصار در کلام خود داشته، اغلب ارکان اصلی نامه‌ها را هرچند کوتاه و فشرده به نظم کشیده است و حتی به نمونه‌هایی نیز میتوان اشاره نمود که تمامی مکتوب با تفصیل ذکر شده است. بکار بردن ارکان متمایز در نامه‌های شاهنامه بدلیل توجه شاعر به سبک اطناب در آن بوده است.

بطوریکه این اطناب را میتوان در نامه‌های بالادست به زیردست نمایانتر مشاهده نمود. که آن‌هم بیشتر متوجه بسط و تأکید و توضیح معناست. برخلاف آن در نامه‌های زیردستان به بالادست که کوتاه‌ترند، اطناب بسبب تعریف و تمجید از مخاطب و مقدمه‌چینی برای بیان مطلب است. رکن اصلی نیز با ایجاز بیان میشود. اما در نامه‌های هم‌تایان به یکدیگر از آنجاکه از لحاظ مقام و مرتبه تفاوتی میان آنان نیست، گونه‌ای اعتدال و مساوات در بیان دیده میشود.

در نامه‌های شاهنامه، به ترتیب بسامد آرایه‌هایی مانند اغراق، تشبیه، استعاره و کنایه در بخشهای مختلف نامه‌ها بطور پراکنده وجود دارد. تشبیهات موجود در نامه‌ها را نیز با توجه به ارکان نامه، به دو نوع تقسیم میشوند: تشبیهات مربوط به ظاهر نامه است که در بخش آغازین نامه یا حتی پیش از شروع نامه‌نگاری آمده است و تشبیهات مربوط به نویسنده نامه یا مخاطب نامه. استعاره‌های موجود در نامه‌های شاهنامه نیز بیشتر در شکل تشخیص و اسناد مجازی هستند.

در نامه‌های شاهنامه افکار و مضامین متنوعی درج شده است که از آن میان، یاد خداوند، ذکر صفات خداوند خصوصاً تأکید بر دو صفت آفرینندگی و خداوندی، ستایش از مخاطب، پند و اندرز، دعوت به دادگری، مفاخره و... به ترتیب بسامد بیشتری دارند. آنچه در آغاز نامه‌ها ذکر میشود، اساسی‌ترین ابعاد بینش توحیدی فردوسی است. طیف وسیعی از صفات خداوند در بخش نیایشهای ابتدای نامه‌ها آورده شده است و درحقیقت یک دوره خداشناسی فشرده و جامع را در خود جای داده است. در بخش «نیایش» نامه‌ها، گاه شاهد بکار بردن صفاتی برای توصیف خداوند هستیم؛ ذکر صفاتی مانند جهاندار پاک، و گیهان‌خدا برای خداوند، اهمیت نیایش و ستایش خداوند و موضوع توحید را برجسته میسازد.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تربت حیدریه استخراج شده است. آقای دکتر عباس خیرآبادی راهنمایی این رساله را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم سیده فاطمه حسینی تبار به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر حمیدرضا سلیمانیان و آقای دکتر محمود فیروزی مقدم نیز با کمک به تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی، نقش مشاوران این پژوهش را ایفا کردند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر چهار پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تربت حیدریه و هیئت داوران پایان نامه که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق

کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCE

- Amin, Seyed Hassan. (۲۰۱۰). *Ferdowsi and Shahnameh*, Tehran: Encyclopedia of Iranology, P. ۱۲۲.
- Christine Sen, Arthur. (۲۰۰۸). *Iran during the Sassanids*, translated by Rashid Yasemi, Tehran: Negah, Pp. ۱۴۳-۱۴۶.
- Dehghan, Ali. (۲۰۰۷). *The art of writing letters in Persian*, Tehran: Shayesteh, p. ۱۸.
- Ebrahimi Dinani, Gholam Hossein. (۲۰۰۶). *Office of Wisdom and Ayatollah Eshgh*, second edition, Tehran: Tarh-e No, p. ۳۸.
- Farshidvard, Khosrow. (۲۰۰۳). *Today's detailed order*, Tehran: Sokhan, P. ۳۸۱.
- Ferdowsi, Abolghasem. (۲۰۰۸). *Shahnameh*, based on the Moscow edition, by Sae'ed Hamidian, fourteenth edition, Tehran: Qatreh.
- Hamidian, Sae'ed. (۱۹۹۳). *An Introduction to Ferdowsi Thought and Art*, Tehran: Markaz, P. ۴۰۹.
- Islami Nodooshan, Mohammad Ali. (۲۰۰۶). *The Life and Death of Heroes in the Shahnameh*, Seventh Edition, Tehran: Joint Stock Company, p. ۸۷.
- Khatibi, Hossein. (۱۹۹۶). *Prose*, Second Edition, Tehran: Zavvar, Pp. ۲۸۸-۲۸۶.
- Ranjbar, Ahmad. (۱۹۸۴). *Ferdowsi's intellectual attractions*, Tehran: Amirkabir, p. ۹۱.
- Rastegar Fasaee, Mansour. (۱۹۹۰). *Twenty-one speeches about Ferdowsi's Shahnameh*, Shiraz: Navid, P. ۲۱۶.
- Sarrami, Ghadmali. (۱۹۹۴). *From the color of flowers to the suffering of thorns (morphology of Shahnameh stories)* Second Edition, Tehran: Scientific and Cultural, Pp. ۲۰۷, ۲۴۲ and ۲۰۲.

فهرست منابع فارسی

از رنگ گل تا رنج خار، سرامی، قدمعلی (۱۳۷۳) (شکل‌شناسی داستانهای شاهنامه) چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی.

ایران در زمان ساسانیان، کریستین سن، آرتور (۱۳۸۷) ترجمه رشید یاسمی، تهران: نگاه.

بیست و یک گفتار درباره شاهنامه فردوسی، رستگار فسایی، منصور (۱۳۶۹) شیراز: نوید.

جاذبه‌های فکری فردوسی، رنجبر، احمد (۱۳۶۳) تهران: امیرکبیر.

درآمدی بر اندیشه و هنر فردوسی، حمیدیان، سعید (۱۳۷۲) تهران: نشر مرکز.

دستور مفصل امروز، فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۲) تهران: سخن.

دفتر عقل و آیت عشق، ابراهیمی دینانی، غلامحسین (۱۳۸۵) چاپ دوم، تهران: طرح نو.

زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه، اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۸۵) چاپ هفتم، تهران: شرکت سهامی.

شاهنامه، فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۷) براساس چاپ مسکو، به کوشش سعید حمیدیان، چاپ چهاردهم، تهران: قطره.

صور خیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۳) چاپ نهم، تهران: آگه.

فردوسی و شاهنامه، امین، سیدحسن (۱۳۸۹) تهران: دایره‌المعارف ایران‌شناسی.

فن نامه‌نگاری در زبان فارسی، دهقان، علی (۱۳۸۶) تهران: شایسته.

فن نثر، خطیبی، حسین (۱۳۷۵) چاپ دوم، تهران: زوار.

معرفی نویسندگان

سیده فاطمه حسینی تبار: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران.

(Email: hoseinitabar.1400@gmail.com)

عباس خیرآبادی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران..

(Email: abbaskheyraaby8@gmail.com : نویسنده مسئول)

حمیدرضا سلیمانیان: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران..

(Email: sima_mansoori91@yahoo.com)

محمود فیروزی مقدم: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران..

(Email: firouzimoghaddam@gmail.com)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Seyyede Fatemeh Hosseini Tabar: PhD student, Department of Persian Language and Literature, Torbat Heydariyeh Branch, Islamic Azad University, Torbat Heydariyeh, Iran.

(Email: hoseinitabar.1400@gmail.com)

Abbas Khairabadi: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Torbat Heydariyeh Branch, Islamic Azad University, Torbat Heydariyeh, Iran.

(Email: abbaskheyraaby8@gmail.com : Responsible author)

Hamidreza Soleimani: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Torbat Heydariyeh Branch, Islamic Azad University, Torbat Heydariyeh, Iran.

(Email: sima_mansoori91@yahoo.com)

Mahmoud Firooz Moghaddam: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Torbat Heydariyeh Branch, Islamic Azad University, Torbat Heydariyeh, Iran.

(Email: firouzimoghaddam@gmail.com)